

بازار



نگاهی به آثار سینمای استراتژیک در جشنواره هفدهم

روایت مقاومت در سینما حقیقت



بلا تکلیفی کتاب‌ها، نشانه‌ای از وضعیت بررسی آثار در وزارت ارشاد است

چالش ممیزی

امیر کوچک زاده، کارگردان مستند «رزیدنت» در گفت‌وگو با «جام جم» مطرح کرد

مطالبه‌گری از قانون ۴۰ ساله



نگاهی به آثار سینمایی، تلویزیونی و ادبی ارزشمند جهان

سرزمین مادری، هوشمندانه روشنگرانه و جذاب



پرتره

در رونمایی از مستند چهره ماندگار هنر نقاشی ایران مطرح شد

رخ به «رخ» با علی اکبر صادقی



هم بدون لرزش دست، هاشور را بر بوم می‌کشد، لذت می‌برم.

شور همیشگی برای کار

ابراهیم حقیقی، طراح گرافیک نام‌آشنا هم‌در این مراسم گفت: اگر آیدین عزیزم هفتاد و چند سال با علی اکبر صادقی دوستی داشته است، دوستی من و اکبر صادقی به پنجاه و چند سال می‌رسد. تصور می‌کنم هیچ فیلم یا روایتی نمی‌تواند تمام درون یک هنرمند را بیان کند، ناممکن است. ما باید با آشنایی و دم‌خور بودن درک کنیم. خوش شانس بودم که از نزدیک با این عزیز نازنین

برقدرت و پراهمیت نقاشی قهوه‌خانه‌ای و هنر ایرانی و سنت، پشت و تکیه دارد. روایت او از این سنت شخصی است که ادا درنیآورده است. از جوانی حیرت می‌کردم که او قادر است شبانه‌روز کار کند و خم به ابرو نیارد. تماشای نقاشی که در این فیلم نشان داده شد برای من بسیار لذت‌بخش بود که چگونه برای جهان جدید روایتی جدید از نقاشی قهوه‌خانه‌ای را بازگو می‌کند. این پس‌زمینه، پشت او را گرفت و نگه داشت. اکبر صادقی نماینده تداوم بخشی از هنر ایرانی است که در طول زمان پوست انداخت و نقاشان قهوه‌خانه‌ای میراث خود را به‌درستی به او دادند. از این‌که امروز

تحول در ساخت مستند

رامین حیدری فاروقی در بخشی از صحبت‌هایش، فیلم «رخ» ساخته سام کلانتری را درگاهی به یک تحول در ساخت فیلم مستند در ایران دانست و گفت: تحول از این جهت که به ما یادآوری می‌کند اسناد و وقایع در ساحت حقیقت اعتبار پیدا می‌کند و تا اطلاع ثانوی بزرگ‌ترین حقیقتی که پیش روی انسان است و شاعر و نقاش و ادیب را به پویایی و زندگی دعوت می‌کند، حیرت‌مواضعانه در برابر هستی است که با انسان روایت می‌شود. هنرمندان بار این ماجرا را تا به امروز بر دوش کشیدند تا انسان تاریخ و اعتبار و تخیلش را از دست ندهد.



علی اکبر صادقی، چهره ماندگار نقاشی و سبک سورئالیسم مدتی قبل ۸۶ ساله شد. استاد است که به عنوان نقاش، تصویرگر کتاب و کارگردان نقاشی متحرک (انیمیشن) آثار درخشانی در کارنامه دارد. به‌ویژه در این مورد اخیر، فیلم‌های گلباران، هفت شهر، زال و سیم‌رخ و رخ ازجمله آثار به یادماندنی و موفق صادقی هستند و به عنوان نمونه همین‌رخ، جوایز فراوانی همچون پلاک نقره از یازدهمین جشنواره جهانی فیلم شیکاگو، پلاک برنز دوازدهمین جشنواره فیلم کراکو لهستان و فیلم برجسته سال در جشنواره فیلم لندن را به خود اختصاص داد. مستند پرتزای که روایتگر شخصیت، زندگی و آثار استاد صادقی است هم به شکل جالب و هوشمندانه‌ای همین عنوان «رخ» را بر خود دارد و علاقه‌مندان این شخصیت بزرگ فرصتی می‌یابند تا در قالب این اثر رخ به رخ با استاد شوند و حظی بصری و روحی ببرند. مستند رخ به کارگردانی سام کلانتری و تهیه‌کنندگی آرش صادقی به‌تازگی با حضور علی اکبر صادقی و جمعی از هنرمندان هنرهای تجسمی، سینما، تئاتر و موسیقی در تالار وحدت به نمایش درآمد.

دور نزدیک یک نقاش

سام کلانتری، کارگردان این مستند رخ پس از اکران فیلم در سخنانی خود را آدم خوشبختی دانست، چراکه ساخت این فیلم به او سپرده شد. او خطاب به صادقی گفت: خیلی خوشبختم که به من اجازه داده شد کارگردان فیلم شما باشم. آیدین آغداشلو، نقاش و گرافیس‌ت برجسته کشور هم با اشاره به سابقه دوستی خود با علی اکبر صادقی از دوران مدرسه گفت: شاید امسال هفتاد و دومین سال دوستی من با علی اکبر صادقی لواسانی از مدرسه جم قلهک تا امروز باشد. از دور و نزدیک شاهد پیشرفت او بودم. از مدرسه جم قلهک تا دانشکده هنرهای زیبا هرکدام راه خودمان را رفتیم بدون این که دیگری را گم کنیم. وقتی در مدرسه جم قلهک همشاگردی بودیم سالی یک نمایشگاه داشتیم. او همواره اول می‌شد و من دوم می‌شدم. الان هم همین‌طور است.

آغداشلو گفت: اکبر صادقی از مستقل‌ترین نقاشان ۱۰۰ سال اخیر است. استقلال خود را با فشارانه حفظ کرده است. با هیچ باد و نسیمی این طرف و آن طرف نشد و به چیزی که معنای آن را بازگو می‌کرد، تکیه کرد. او به جریان

یادداشت

سمیرا انوریان آگروه‌رسانه

تورا با اشک روایت می‌کنم

اسرا البیعی برای اهل خبر نامی آشناست. او خبرنگار شبکه تلویزیونی العالم است. اما این عنوان نمی‌تواند همه آنچه را که به واسطه مسئولیت این شغل بر شانه‌های او سنگینی می‌کند، به طور کامل بیان کند. از او زیاد شنیده‌ایم، خبرنگاری که خود دیگر سوزه خیر شده‌است؛ آن‌قدر که با جان و دل به میانه میدان رفته و گزارش‌هایی را از حال و هوای ناگفتنی غزه و مردمانش زیر آتش، تهیه کرده‌است. گاهی شدت کار او را از پا انداخت. گاهی هنگام گزارش مورد حمله قرار گرفته و مجروح شده. اما پا پس نکشیده‌است. این گزارشگر جسور که مادر دو فرزند است، در پایداری برای مخابره آنچه بر غزه و مردمانش می‌گذرد، خود به سوزهای برای روایت تبدیل شده‌است. گویی او نمادی از مقاومت است، یعنی همان واقعیتی که از آن گزارش می‌دهد. او را دیده‌ایم که گاهی میان خانه‌های مخروبه‌ای که بر سر ساکنانش آوار شده گزارش تهیه می‌کند و دل به دل جنگزده‌ها می‌دهد یا شجاعانه در محل شبکه العالم و برس‌تی‌وی که مورد حمله رژیم صهیونیستی قرار گرفته، حضور پیدا می‌کند.

حقیقت این است که خبرنگاران زیادی این روزها در غزه جان بر کف در جبهه رسانه به خبرسانی مشغول هستند؛ خبرنگارانی که گاهی هدف نقطه‌زنی قرار گرفته‌اند و گاهی هم خانواده‌هایشان قربانی حریف آنان شده‌اند تا به خیال خام رژیم کودک‌کش صدای حقیقت خاموش شود. اما همان‌طور که گفتیم البیعی در میان خبرنگاران جزو کسانی است که به واسطه گزارش‌های جسورانه و همچنین همدلی‌اش با مصاحبه‌شوندگان بیش از دیگران مورد توجه قرار گرفته‌است. او نگاهی واری سوز به محتوای تولیدی خود دارد و سال‌ها خبررسانی در جنگ و بحران وی را از نگاه انسانی به فجایع تهی نکرده‌است.



در واقع با دیدی دیگر می‌توان گفت رسانه در تعاریف ابتدایی کانالی برای رساندن پیام بود، اما این تعریف ایتر از نقش عناصر دیگر به‌ویژه خبرنگار غافل شده‌است. نمونه آن را می‌توان در آنچه بر سر خبرنگاران در بحبوحه ناآرامی‌های غزه می‌گذرد، رصد کرد. وقتی می‌گویند خبرنگاران خود در این ماجرا به سوز تبدیل شدند، حکایت اسرا و همکارانش است که یکی باید باشد حال آنان را گزارش کند. در یکی از تصاویر تاثیرگذاری که از البیعی در

وجه انسانی و همدلانه یک خبرنگار با سوزه‌رانشان می‌دهد، می‌توان دید که او به حال مصاحبه‌شونده گریه می‌کند و فراتر از مرزهای جلیقه‌ای که با عنوان press بر تن دارد، ظاهر می‌شود. به قولی او دیگر اخبار را گزارش نمی‌کند بلکه خود جزوی از اخبار شده است که باید از دید جامعه بین‌الملل با توجه بیشتری به آن نگریسته شود و روایت فروانی از آن به انتشار رسد. این لحظه‌های ناب و انسانی برای اسرا و هم‌اندیشان او در عرصه خبر، از سال‌ها پیش تا امروز به خصوص از زمانی که جنگ اخیر آغاز شده است، کم نیست و باید گفت چگونه می‌توان بر آنچه این روزها در غزه و بر مردمانش می‌گذرد به سادگی نگریست و گذر کرد؟ وقتی خبرنگاری که سال‌ها راوی میدان جنگ بوده قلبش از شدت مصیبت فشرده می‌شود و اشک می‌ریزد یا پزشکی که در حرفه‌اش مرگ یک اتفاق به حساب می‌آید، بر سر جنازه‌های خونین کودکان مویه می‌کند، این حکایت، حکایت دیگری است؛ حکایت مصیبتی که به چشم راپوشانی عادی نمی‌شود.